

تحلیل چگونگی اعطای پاداش ورود به بهشت در برابر گریه بر امام حسین (ع) از دیدگاه امام رضا (ع) و سایر اهل بیت (ع)

رضا باقی‌زاده پلامی^۱، کاووس روحی برندق^۲

چکیده

روایت‌های فراوانی از اهل بیت (ع) از جمله امام رضا (ع) درباره ثواب گریه بر مصائب امام حسین (ع) وارد شده، در این احادیث، پاداش فراوانی از جمله ورود به بهشت در برابر گریستن، گریاندن و حتی تباهی^۳ بر امام حسین (ع) ذکر شده است. این احادیث از نظر اینکه چگونه صرف گریه کردن بر امام حسین (ع) موجب ورود به بهشت می‌شود و این مسئله چگونه با حکمت خداوند سازگار است و این همه اجر و پاداش دربر دارد، مورد اشکال شده است. مقاله پیش‌رو درصدد پاسخ به این شبهه برآمده و پس از بررسی وجوه مختلف، به این نتیجه رسیده که مجموعه گزاره‌های موجود، ناظر به کلیت مسئله است و نه تنها با مشروط بودن آن به امور دیگر اعم از مقتضی، شرط، جزء یا رفع و دفع موانع دیگر منافات ندارد، بلکه گزاره‌های دینی دیگر که سایر امور را شرط و... به‌شمار آورده‌اند، مفسر و مبین گزاره مورد بحث خواهند بود.

واژه‌های کلیدی

گریه، امام حسین (ع)، فلسفه گریه بر امام حسین (ع)، تباهی، بهشت

reza.baghizadeh@gmail.com

k.roohi@modares.ac.ir

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس

۳. منظور از تباهی این است که اگر به انسان حالت گریه دست نداد، خود را به گریه وادارد (پیشوایی و دیگران، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۰۱). چنان که ابن‌اثیر آن حالت را «تکلف البكاء» معنی می‌کند و در تفسیر جمله «فان لم تجدوا بکاء فتابکوا» می‌گوید: ای تکلفوا البكاء (۱۳۷۶، ج ۱: ۱۵۰). برخی دیگر گفته‌اند: منظور از تباهی یعنی اینکه خودش را شبیه کسی که گریه می‌کند درآورد. مثلاً سرش را پایین بیندازد، صورت گریه و نشانه‌های رقت و تأثر را ظاهر کند که در این صورت ثواب می‌کند (ابن‌بابویه، ۱۴۱۷ق: ۱۲۱-۱۲۰). در هر حال، باید توجه داشت که تباهی با ریاکاری فرق می‌کند بلکه اخلاص هم در تباهی شرط است. علامه شوشتری در این باره می‌گوید: «تباهی را باید برای خدا انجام داد نه اینکه برای دیدن مردم و ریا انجام بگیرد، بنابراین تباهی عملی است که خلوص در آن شرط است» (تستری، بی‌تا: ۲۵۰). در فرهنگ شیعه، توصیه به تباهی، تنها برای عزاداری نیست؛ بلکه برخی روایت‌ها، تباهی را در نماز واجب یا هنگام درخواست حاجت از خداوند نیز، توصیه کرده‌اند، چنان که کلینی در باب «دعا» احادیثی نقل کرده است که به این امر توصیه می‌کنند؛ از آن جمله: امام صادق (ع) فرمودند: «[هنگام دعا] اگر گریهات نیامد، خود را به گریه وادار کن» (۱۳۸۸ق، ج ۲: ۳۵۰).

مقدمه

درباره قیام امام حسین^(ع) که در سال ۶۰ ق شروع شد و در سال ۶۱ ق به بار نشست، مباحث مختلفی از قبیل زمینه‌ها، درس‌ها، پیام‌ها و ابعاد مختلف اهداف آن از قبیل ظلم‌ستیزی، آزادی، شهادت‌طلبی، ایثار، حقیقت‌جویی و... صورت گرفته است؛ اما شبهه‌ها و سؤال‌هایی نیز ذهن‌ها را به خود مشغول کرده، از آن جمله فلسفه گریه بر امام حسین^(ع) بوده، به‌ویژه با توجه به اینکه در روایت‌های بسیاری، برای موضوع بیان‌شده پادشاه‌های فراوانی - از قبیل محو گناهان و اعطای جایگاه بهشت به انسان و... ذکر شده است.

روایت‌های مذکور که به نقل از امامان معصوم^(ع) در جوامع حدیثی شیعه آمده است^۱ دسته‌بندی مختلفی دارند. از جمله احادیث مربوط به فضیلت گریستن بر امام حسین^(ع)، حدیث مفصل منقول از امام رضا^(ع) بوده که توسط «ابن شیب» نقل شده است. در این حدیث، ریان بن شیب می‌گوید:

روز اول ماه محرم به محضر امام رضا^(ع) رسیدم. حضرت فرمودند: ای پسر شیب، محرم، ماهی است که در عهد جاهلیت [هم] آن را محترم می‌شمردند و ظلم و جنگ در آن را حرام می‌دانستند؛ اما این امت، نه حرمت این ماه را نگه داشتند و نه حرمت پیامبر^(ص) را. در این ماه فرزندان پیامبر^(ص) را کشتند، زنان او را اسیر کرده و اثاث او را غارت کردند. خداوند هرگز این جرم آنها را نبخشد. ای پسر شیب، بر حسین^(ع) گریه کن... آسمان‌های هفت‌گانه و زمین در قتل او گریستند... ای پسر شیب، اگر بر حسین^(ع) گریه کنی چندان که اشک تو بر گونه‌هایت روان گردد، خداوند هر گناهی که کرده باشی، کوچک یا بزرگ، اندک یا بسیار، می‌آمرزد... ای پسر شیب، اگر دوست داری در درجات بالای بهشت با ما باشی، به سبب حزن ما محزون و برای شادمانی ما شاد باش (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴: ۲۸۵).

۱. این روایت‌ها توسط افراد زیر ذکر شده است: حرعاملی، در جلد ۱۰ صفحه ۳۹۱ کتاب وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه و با عنوان «باب استحباب البكاء لقتل الحسین^(ع) و ما اصاب اهل البيت^(ع)»، ابن قولویه در صفحه‌های ۱۰۰ تا ۱۰۹ کامل الزیارات طی باب‌های متعدد با عناوین مختلف، علامه مجلسی در جلد ۴۴ صفحه ۳۷۸ بحار الانوار با عنوان «ثواب البكاء علی مصیبه و مصائب سائر الائمة»، جمعی از محققان در نهضت عاشورا، جستارهای کلامی، سیاسی و فقهی و عباس کوثری در صفحه ۴۲۱ مقاله «مبانی فقهی عزاداری».

امام باقر^(ع) در حدیثی روایت می‌کنند که امام سجاد^(ع) فرمودند: «هر مؤمنی که برای کشته شدن امام حسین^(ع) گریان کند به طوری که اشک بر صورتش جاری شود، خداوند متعال غرفه‌هایی در بهشت برای او آماده می‌کند که مدتی طولانی در آنها ساکن باشد...» (ابن قولویه قمی، ۱۴۱۸ق، باب ۳۲: ۲۰۱ و ابن بابویه، ۱۳۹۱ق: ۱۱۱-۱۱۰).

همین مضمون در روایت دیگری از امام باقر^(ع) آمده است (ابن قولویه قمی، ۱۴۱۸ق، ح ۱۱: ۲۰۷).

همچنین ابوهارون مکفوف^۱ روایت می‌کند که امام صادق^(ع) فرمودند: «هر کس نزد او از حسین^(ع) یاد شود و به اندازهٔ بال مگسی از چشمانش اشک جاری شود، ثواب او بر عهدهٔ خدای عزوجل است و خدای متعال به کمتر از بهشت برای او راضی نمی‌شود» (همان، ح ۳: ۲۰۲).

در روایت دیگر، از امام رضا^(ع) آمده است:

هر کس در روز عاشورا در برآوردن نیازهای خود نکوشد، خدا در دنیا و آخرت حاجت‌های او را برآورده می‌کند و هر کس روز عاشورا را روز مصیبت، اندوه و گریهٔ خود قرار دهد خدای متعال روز قیامت را روز شادی و سرور او قرار می‌دهد و در بهشت چشم او را روشن می‌کند؛ اما هر که روز عاشورا را روز برکت [و کسب و کار] بداند و در این روز برای منزلش چیزی ذخیره کند، خدا برکت را از او می‌گیرد (ابن شهر آشوب، ۱۴۲۱ق، ج ۴: ۹۴).

همچنین دربارهٔ ثواب سرودن شعر در عزای امام حسین^(ع)، احادیثی از ائمه اطهار^(ع) نقل شده است. از آن جمله ابوهارون مکفوف می‌گوید: امام صادق^(ع) فرمودند: «هر کس شعری در سوگ حسین^(ع) بخواند و خود بگیرد و ۱۰ تن را بگیراند، بهشت برای آنان نوشته می‌شود» (ابن قولویه قمی، ۱۴۱۸ق، باب ۳۳: ۲۰۸؛ ابن بابویه، ۱۳۹۱ق: ۱۱۱).

۱. «مکفوف» به معنای نابیناست و چون وی نابینا بوده، به این نام شهرت داشته است (پیشوایی و دیگران، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۹۷).

در روایت دیگر، ابوعمارہ نوحه سرا گوید: امام صادق^(ع) فرمودند: ای ابوعمارہ؛ شعری در سوگ حسین^(ع) برایم بخوان. من خواندم و حضرت گریستند. باز خواندم و آن حضرت گریستند و باز خواندم و باز امام^(ع) گریستند. به خدا قسم، پیوسته شعر می‌خواندم [و آن حضرت می‌گریستند] تا آنکه از اندرون خانه صدای گریه شنیدم. در این هنگام امام^(ع) فرمودند:

هر کس در سوگ حسین^(ع) شعری بخواند و ۵۰ نفر را بگریاند، بهشت، پاداش اوست... هر

کس در سوگ حسین^(ع) شعری بخواند و یک نفر را بگریاند، بهشت برای اوست، هر کس در

سوگ حسین^(ع) شعری بخواند و خود بگریاند، بهشت از آن اوست و هر کس در عزای حسین^(ع)

شعری بخواند و تباهی کند، بهشت از برای اوست (ابن قولویه قمی، ۱۴۱۸ق، باب ۳۳: ۲۰۹؛

ابن بابویه، ۱۳۹۱ق: ۱۱۲).

این احادیث از نظر سندی تواتر معنوی دارند، یعنی به حدی زیادند که هر نظاره‌گری اطمینان می‌یابد اصل مضمون ارزشمند گریه، صرف‌نظر از تعبیر و عبارت‌های خاص، از سوی معصومان^(ع) صادر شده است (پیشوایی و دیگران، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۰۱ و جمعی از محققان، ۱۳۸۷: ۴۲۱).

چه سزای در گریه بر امام حسین^(ع) وجود دارد که این همه پاداش از جمله پاداش ورود به بهشت بر آن مترتب شده، در حالی که خداوند حکیم است و اجر و مزد را با حکمت می‌دهد، چه حکمتی است که کسی در مجلس امام حسین^(ع) گریه کند یا دیگران را بگریاند یا حتی تباهی کند و آنگاه بهشت بر او واجب شود؟

برای شبهه‌های یادشده پاسخ‌های مختلفی ارائه شده است، مقاله حاضر پس از نقل، تحلیل و بررسی و نقد آنها به ارائه دیدگاهی نو می‌پردازد.

دیدگاه‌ها

۱. گریه مایه تعالی و تقرب به خدا

در جهان‌بینی الهی، کمال انسان در تقرب به خداست و در این زمینه گریه از خوف خدا زمینه‌ساز «قرب الهی» است، چنان‌که امام باقر^(ع) فرمودند: «از سخنان خداوند به موسی در کوه طور این بود: ای موسی به قوم خود این سخن مرا برسان که هیچ چیز مانند گریه از خوف من، متقربان را به من نزدیک نمی‌کند» (ابن بابویه، ۱۳۹۱ق: ۱۷۲).

امام صادق^(ع) نیز نزدیک‌ترین حالت بنده به پروردگار را حالتی می‌داند که او در سجده با گریه است» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۲: باب البكاء).

گریه مایه دستیابی به رحمت خداوند است، چنان‌که در مناجات منقول از امام سجاد^(ع) آمده است: «خداوندا اشک چشم کسی که از خوف تو می‌گرید، در سایه رحمت توست» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۷۳۹).

در تشبیهی زیبا، ملای رومی، گریه بنده برای جلب رحمت پروردگار را، به گریه کودک برای جلب ترحم مادر همانند کرده و چنین سروده است:

تا نگرید طفل، کی جوشد لبن	تا نگرید ابر کی خندد چمن
کی بگریم تا رسد دایه شفیق	طفل یک‌روزه همی داند طریق
کی دهد بی‌گریه شیر او را رایگان	تو نمی‌دانی که دایه دایگان
تا بریزد شیر فضل کردگار	گفت: «فلییکواکثیراً» گوش‌دار

(مولوی، ۱۳۸۰، ج ۳: دفتر ۵).

بر این اساس، اگر کسی برای عظمت قیام امام حسین^(ع)، مظلومیت آن حضرت و ظلم‌هایی که به ایشان و دیگر شهدای کربلا شده و برای رضای خدا گریه کند، این مسائل سبب تقرب به خدا و رحمت واسعه باری تعالی و در نهایت باعث ورود به بهشت جاویدان می‌شود.

۲. گریه، زداینده آثار گناهان

گریه، نقش توبه دارد، یعنی همان طور که توبه واقعی سبب آمرزش گناه و محو عذاب می شود گریه بر امام حسین^(ع) نیز می تواند سبب از بین رفتن گناه، پاک شدن انسان و در نتیجه ورود به بهشت شود. علامه طباطبایی در پاسخ به این سؤال که چگونه طبق فرمایش امام صادق^(ع) یک قطره از اشک عزادار امام حسین^(ع) آتش جهنم را فرو می نشاند (حرعاملی، ۱۳۸۱ق، ج ۱۴: ۵۰۷) می گوید:

چه مانعی دارد که قطره اشکی به اذن و خواست خدا، آتش جهنم را خاموش گرداند.
در واقع قطره اشک نظیر توبه است که باعث آمرزش گناه و محو آثار و از بین بردن عذاب می شود و نیز در نقطه مقابل آن کفر، باعث حبط و نابودی حسنات و نعمت های بهشتی و سبب افروختن آتش می گردد (رخشاد، ۱۳۸۲: ۱۸۲).

۳. گریه، هماهنگی با روح شهید و موجب الگوگیری

اگر گریه و عزاداری برای امام حسین^(ع) سبب شود که انسان پیام های نهضت عاشورا همچون ظلم ستیزی، آزادگی، شهادت طلبی، شجاعت، ایثار، حقیقت جویی و... را درک کند و در زندگی خود به آنها پایبند باشد، این گریه می تواند ثمربخش و سبب ورود به بهشت شود. امام خمینی^(ره) در این باره می گوید: «گریه کردن بر عزای امام حسین^(ع) زنده نگه داشتن نهضت و زنده نگه داشتن همین معناست که یک جمعیت کمی در مقابل یک امپراتور بزرگ ایستاد... آنها از همین گریه ها می ترسند، برای اینکه این گریه ای است که گریه بر مظلوم است، فریاد مقابل ظالم است» (۱۳۶۲، ج ۱۰: ۳۱-۳۲).

شهید مطهری گریه بر شهید، از جمله امام حسین^(ع) را شرکت در حماسه او، هماهنگی با روح او و موافقت با نشاط و حرکت او می داند (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۲۲-۱۲۱).

همچنین گفته شده است: مردم با شرکت در عزاداری امام حسین^(ع) و گریه بر آن حضرت

و تأسی از آن بزرگوار، رابطه خود را با خدا تقویت کرده و در نتیجه، حقایق اسلام را بهتر می‌شناسند. از این رو گریه و عزاداری برای امام حسین^(ع) به منزله نگاه داشتن اساس اسلام است تا مردم با تأسی به آن بزرگوار به یاد خدا بوده و هر چه بیشتر پایبند به برپایی فرائض و حدود الهی شوند، در این صورت است که گریه بر امام حسین^(ع) بهشت را بر انسان واجب می‌کند (پیشوایی و دیگران، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۶۵-۲۶۰).

بنابراین، گریستن در سوگ شهدای کربلا، تجدیدیعت با عاشورا است و فرهنگ شهادت، تغذیه فکری و روحی عزاداران با این مکتب بوده و اشک ریختن نوعی امضا کردن پیمان و قرارداد مودت با سیدالشهدا^(ع) است. گریه در فرهنگ عاشورا، سلاح همیشه برانی است که فریاد اعتراض به ستمگران دارد. رسالت اشک، پاسداری از خون شهید است. در نتیجه اگر گریه در راستای احیای فرهنگ عاشورا باشد نتیجه‌بخش است (محدثی، ۱۳۷۴: ۳۸۴-۳۸۲).

۴. تقوا شرط قبولی اعمال

خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ خداوند فقط از پرهیزگاران می‌پذیرد» (مائده/۲۷). بر اساس این آیه، شرط قبولی اعمال، تقوای الهی بوده، از این رو وصول به پاداش عزاداری و گریه بر امام حسین^(ع) مشروط به این است که عزاداران، تقوای الهی پیشه کنند و در زمره متقین باشند، یعنی عزاداری و گریه بر ایشان مثل مستحبات دیگر از قبیل دعا، صدقه، زیارت، توسل و... برای رسیدن به بهشت و قرب الهی در حد «مقتضی» است و هنگامی «فعلیت» می‌یابد که عزاداران از معاصی و گناهان که نقش مانع دارد به دور باشند و در صورت آلودگی توبه کنند، چون گناه و آلودگی مانع رسیدن فیض الهی (بهشت) به انسان است (پیشوایی و دیگران، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۰۵-۲۰۴).

۵. این پاداشی در قبال ایثارگری و تحمل مصائب امام حسین^(ع)

گفته شده گستره کمی و کیفی ثواب‌هایی که برای گریه، عزاداری و زیارت امام حسین^(ع) ذکر شده است، متناسب با ایثار، شجاعت، توکل، رضا، مردانگی و آزادگی است که از آن حضرت به ظهور رسید و نیز سازگار با مصائب بزرگی است که متحمل شدند (گروه مؤلفان، ۱۳۸۵: ۱۹۵).

بحث و تحلیل

از میان پنج وجهی که برای توجیه روایت‌های مربوط به ورود به بهشت در اثر گریه بر امام حسین^(ع) بیان شده است، وجه نخست و چهارم به نقش اقتضا اشاره دارد. به این معنا در گریه، اقتضای ورود به بهشت نهفته است، ولی به اصطلاح، علت تامه بودن گریه برای ورود به بهشت نیست. چنان‌که وجه دوم بر شرط بودن گریه برای ورود به بهشت دلالت دارد، به این معنا که گریه در کنار سایر امور لازم و شایسته، موجب ورود به بهشت است. بر اساس وجه سوم نیز زمینه‌سازی برای ایجاد تحول در فرد و در پی داشتن انجام اعمال نیک دیگر است و وجه پنجم صرفاً درصدد رفع استبعاد تعلق ثواب به لحاظ کمال معنوی و گذشت بی‌نظیر امام حسین^(ع) است و فلسفه ورود به بهشت در اثر گریه بر امام حسین^(ع) را توجیه نمی‌کند. بدین‌سان، در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت به‌جز وجه پنجم، بر اساس سایر وجوه، گریه بر امام حسین^(ع) به‌عنوان مقتضی یا شرط ورود به بهشت توجیه می‌شود.

بدین‌سان، گزاره مورد بحث در صورت فهم ظهور گزاره‌ها که برخی ناظر به ۱. علت تامه بودن امر یادشده در آنها برای حصول چیزی است و در موارد دیگر ناظر به علت ناقصه (جزء علت تامه) بودن امر یادشده است که خود با توجه به انواع علت‌های ناقصه به مقتضی، شرط، جزء و شطر یا نبودن مانع است که در مورد مسئله محل بحث به گونه ۲، ۳ و ۴ تفسیر و تبیین شده است، به این صورت که وجه نخست و چهارم ناظر به مقتضی بودن

گریه برای ورود به بهشت و وجه دوم و سوم ناظر به شرط بودن آن و ضمیمه شدن گریه به اعمال دیگر است. بر این اساس، نقش مانع نبودن امور دیگر در این سیستم نادیده انگاشته شده است که می‌توان آن را وجه دیگری (وجه ششم) برای مسئله مورد بحث برشمرد. به این صورت که گریه بر امام حسین^(ع) به عنوان عامل ورود به بهشت، در صورتی است که مانع دیگری (گناه) در کنار آن نیاید، وگرنه نقش ورود به بهشت را نخواهد داشت؛ بلکه می‌توان وجه فراگیر (وجه هفتم) را بیان کرد که گزاره مورد بحث به عنوان گزاره‌ای کلی و اجمالی ناظر به تمامیت موضوع نیست و حتی مقتضی‌ها، شرط(ها)، جزء یا اجزاء و رفع و دفع مانع یا موانع دیگر در نظر گرفته نشده است. پس، مشروط کردن ورود به بهشت به امور دیگر نه تنها با آن منافات ندارد بلکه مکمل، مفسر و مبین آن خواهد بود.

نتیجه‌گیری

از مجموع راهکارهایی که توسط دانشمندان در تبیین گزاره ورود به بهشت در اثر گریه بر امام حسین^(ع) - که در روایت‌های بسیاری مطرح بوده - ارائه شده است یکی (وجه پنجم) نادرست و بقیه وجوه (وجه یکم، دوم، سوم و چهارم) ناقص، نارسا و بخشی از پاسخ هستند. چنان‌که وجه ششم که از سوی نویسندگان به عنوان احتمال ذکر شده همین وضعیت را داراست و تنها وجه درست در پاسخ مسئله مقاله وجه فراگیر هفتم است.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

ابن اثیر، شیبانی جزری مبارک بن محمد، (۱۳۷۶). *النهاية في غريب الحديث و الاثر*. محقق طاهر احمد الزاوی و محمود محمد الطناحي، قم: اسماعیلیان.

ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، (۱۴۱۷ق). *الامالی الصدوق*. محقق قم الدراسات الاسلامیه، قم: مؤسسه البعثة.

ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، (۱۳۹۱ق). *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*. مصحح علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق.

ابن شهر آشوب مازندرانی، ابوجعفر محمد بن علی، (۱۴۲۱ق). *مناقب آل ابی طالب (ع)*. محقق یوسف البقاعی، قم: ذوی القربی.

ابن قولویه قمی، ابوالقاسم جعفر بن محمد، (۱۴۱۸ق). *کامل الزیارة*. محقق نشر الفقاهه، بیروت: دارالسرور. پیشوایی، مهدی و دیگران، (۱۳۹۰). *مقتل جامع سیدالشهدا (ع)*. چاپ سوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

تستری، جعفر، (بی تا). *الخصائص الحسينية*. محقق سید جعفر حسینی، بی جا: دارالاعتصام. جمعی از محققان، (۱۳۸۷). *نهضت عاشورا، جستارهای کلامی، سیاسی و فقهی*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۳۸۱ق). *وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة*. مصحح و محقق میرزا عبدالرحیم ربانی، تهران: مکتبه الاسلامیه.

رخشاد، محمدحسین، (۱۳۸۲). *در محضر علامه طباطبائی*. چاپ اول، قم: سماء. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۳۴۸). *اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)*. مصحح حسن مصطفوی، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۴۱۱ق). *مصباح المتعجد*. بیروت: فقه الشیعه.

کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب، (۱۳۸۸ق). *الاصول من الکافی*. محقق علی اکبر غفاری، مصحح نجم الدین عاملی، تهران: مکتبه الاسلامیه.

گروه مؤلفان، (۱۳۸۵). *پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویان*. چاپ پنجم، قم: دفتر نشر معارف.

مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق). *بجاریانوار*. بیروت: الوفا.

محدثی، جواد، (۱۳۷۴). *فرهنگ عاشورا*. قم: معروف.

مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳). *قیام و انقلاب مهدی به ضمیمه شهید*. قم: صدرا.

موسوی خمینی، روح‌الله، (۱۳۶۲). *صحیفه نور*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی، (۱۳۸۰). *مثنوی معنوی*. چاپ سوم، تهران: گنجینه.